

سوگنامه‌ای برای موسیقی‌بازها در جهان بدون هادی پاکزاد

ارتباط با کرها

در موسیقی باکلام، یکی از موضوعات مهم در موقعیت شناخت، بررسی و نقد موسیقی، کلام‌محور و یا موسیقی‌محور بودن آثار موسیقی است. گویی بر اساس قاعده‌ای نانوشته به ویژه در موسیقی ایرانی یکی از شقوق سبک‌شناسی موسیقی بر اساس میزان اولویت و اهمیتی است که کلام یا موسیقی در اثر یکپارچه نهایی دارند. با وجود این، پاسخ به این پرسش که موسیقی ما کلام‌محور است یا موزیک‌محور، پرسشی بسیار کلی و نادقیق می‌نماید؛ اما وقتی گستره بررسی را به یک خواننده یا یک آلبوم محدود می‌کنیم، شواهد مطمئن‌تری برای پاسخ‌گویی به این سؤال داریم. چند روز قبل خبر درگذشت یک موزیسین ایرانی منتشر شد که کارنامه‌اش به عنوان یک موزیسین آلترناتیو راک در این دسته‌بندی، گرایش شدیدی به موسیقی کلام‌محور داشت.

هادی پاکزاد! احتمالاً با دست به دست شدن‌های تلگرامی و اخباری که این چند روز به سرعت در شهر پیچید، از نام و نشان او مطلع شده‌اید. از اوایل دهه 80 بعد از تب‌وتاب اولیه موسیقی پاپ و فعالیت مجدد داخلی در اواخر دهه 70، مسیر برای علاقه‌مندان و فعالان سایر سبک‌های موسیقی نیز باز شد. بررسی تک‌تک جریان‌ها و افرادی که در این دهه فعالیت کردند، از حوصله این نوشتار خارج است. از سویی، چون عموم فعالیت‌های موسیقایی غیر از موسیقی دستگاهی و موسیقی پاپ مرسوم در ایران، هنوز و در سال 94 هم با سیاست‌های یک بام و دو هوای نهادهای قانونی روبه‌رو است، جمع‌آوری اطلاعات دقیق در این‌باره دشوار به نظر می‌رسد.

شاید همین اتفاقات چون مرگ و از دست دادن این ستارگان است که درمی‌یابیم در این آسمان به‌ظاهر بی‌فروغ ستارگانی نیز سال‌ها زیسته‌اند. هنرمندانی که شناخت و تحلیل آثارشان موضوعی بسیار کلیدی و با اولویت پیش روی پژوهش‌گران موسیقی است. موضوعی بسیار مهم‌تر از بسنده کردن به یادداشت و نقد نوشتن در مورد اتفاقات روز و موضوعات فرسایشی رابطه با دولت و اثبات موارد پیش‌پاافتاده اما فراموش‌شده به نهادهای قانونی و طلب قانون‌مداری از نهادهای مدعی قانون!

در واقع در این میان اصل ماجرا کمتر مورد توجه قرار گرفته و به حاشیه رانده شده است. انرژی و توان ما به جای تحلیل آثاری که نه در دهه 80 و 90 میلادی آمریکا، بلکه در همین دهه در مشهد و تهران خودمان تولید شده! آثاری که به شدت حاوی زیست‌امروزی و این‌جایی ما است و صرف موضوعات حاشیه‌ای شده؛ زیستی که از فیلتر دانش‌مندی و خردورزی هنرمندانه هادی پاکزاد گذشته بودند.

از هادی به غیر از آلبوم اخیر تاریکی که تنها آلبوم مجاز منتشر شده از او است، 8 آلبوم دیگر هم از سال 1381 تا به امروز منتشر شده بود. تقریباً تمام ترانه‌های پاکزاد در این 9 آلبوم ترانه‌هایی سوژه‌محور با تأکید همزمان بر زاویه نگاه و سوژه‌های متمایز با جریان اصلی موسیقی ما بوده‌اند. اصطلاح آلترناتیو اصولاً به جهت متمایز ساختن نوعی از موسیقی در کنار جریان اصلی موسیقی مطرح می‌شود؛ گرچه معنای گسترده‌تری هم دارد که در حوصله این مطلب نمی‌گنجد. این هوشمندی مخاطب و رسانه است که تا چه حد در میان هیاهوی جریان اصلی و موسیقی پاپولار از آشنایی با جریان‌های آلترناتیو بهره می‌گیرد!

از سویی دیگر، خاستگاه موسیقی آلترناتیو ریشه در موسیقی زیرمینی دهه 80 دارد که بعدها در دهه 90 میلادی و پس از آن نیز طرفداران بسیاری یافت. هنرمند آلترناتیو بی‌هیاهو و سر و صدا و هوجوی‌گری شهرت‌طلبانه، می‌سراید، می‌نوازد و به‌جای می‌گذارد و می‌رود. درباره موضوعاتی می‌نویسد که ممکن است اولویت زیستی، فکری اکثریت نباشد. وقتی که می‌نویسد و می‌خواند: در حال کوبیدن به تمام درها/ دست بردن به فکرها، ارتباط با کرها روند سوژه‌محور ترانه‌های پاکزاد در تمام آلبوم‌هایش هیچ‌گاه تضعیف نشده است. در زندگی زیرزمین با یک آلبوم کامل طرفیم که هر یک از 8 آهنگ آن قطعه‌ای از یک پازل‌اند که کلی منسجم را شکل می‌دهند. با وجود این که هر کدام از این آلبوم‌ها که در امتداد یک مسیر فکری و اجرایی قرار دارند، می‌توانند موسیقی و اندیشه پاکزاد را بنمایانند، شاید آلبوم تاریکی به ویژه خود ترانه ارتباط با کرها با تم‌های اجتماعی قدرتمند همان حرفی را می‌زنند که پیش‌تر در آهنگ بهار در آلبوم اول 1381 او یا آهنگ‌هایی چون خط قرمز و انسان معمولی در آلبوم دکتر 1385، من لعنتی و سپهر در آلبوم افلاطون 1387 و به خصوص ترانه دلم برات تنگه در آلبوم اسلحه یا برای 4 1388 بیان می‌کردند:

سال‌هاست زندانی آزادی تو هستم/قهرمان یا قربانی از این دو واژه خسته‌م/سال‌هاست پوستِ گرمی رو با شوق نبوسیدم/مدت‌هاست که توی آب صورتم رو ندیدم/دلم برای تو برای تو از نزدیک تنگه/برای نفس تو یه گوشه تاریک.../ دلم تنگه و من، چقدر برای خودم دلم تنگه!

دلتنگی نه محدود به یک روز و ماه و سال... به وسعت تاریخ. نه محدود به مشهد و تهران، به وسعت هستی؛ و پاکزاد امروز آخرین قطعه این پازل را چید و این دلتنگی ابدی شد تا جهان بدون هادی پاکزاد از فردا در ریه‌های این دلتنگی نفس بکشد.

منبع: قلی‌پور، حسین، 1395، موسیقی ما